

## ازدواج های اینترنتی، فوبند یا بد؟



با گسترش ابزارهای نوین ارتباطی بویژه اینترنت، آشنایی های اینترنتی با طراحی فضاها و اتاق هایی به این منظور شکل گرفت. بیشتر مشتریان این اتاق ها جوانانی هستند که به دنبال همکلامی و آشنایی در این اتاق ها می گردند از طرفی جرقه ازدواج های اینترنتی نیز در همین اتاق ها با شستی های کیبورد زده می شود، اما این ازدواج ها چقدر پایدار و ریشه ای هستند؟ آیا شرایط یک آشنایی استاندارد در این فضا فراهم می شود؟ مخاطرات این نوع آشنایی ها چیست؟

دکتر فرزانه صداقت روان شناس ازدواج های اینترنتی را به عنوان ازدواج های پایدار تلقی نمی کند و نوع ارتباط را مشکل اصلی این ازدواج ها می داند و می گوید. ما در زوج هایی که حتی با مشاوره پیش از ازدواج با هم وصلت کرده اند، مسائل و مشکلاتی را می بینیم.

حال چگونه می توان انتظار داشت ازدواجی که با اتکا به ۲ مانیتور در فضایی مجازی فانتزی به ثمر نشست است، موفق باشد؟ مهم ترین ویژگی فضای چت و اینترنت نشان دادن مجاز به جای واقعیت است، این جابه جایی آنقدر ظریف اتفاق می افتد که افراد بسادگی دنیای خیال را با جهان واقعیت اشتباه می گیرند.

وی می افزاید: نکته دیگر این که من نمی توانم بپذیرم نمونه های موفق از این نوع ازدواج ها وجود دارد، برای این که متاسفانه در جامعه بیشتر از آن که ما برای خودمان زندگی کنیم، برای دیگران زندگی می کنیم؛ حاضریم با تنش و درگیری به یک رابطه زوجیت ادامه بدهیم، اما جلوی دیگران «ماسک موفقیت» روی صورتمان باشد.

به همین دلیل است که شما به دفعات با زوج های میانسالی روبه رو می شوید که پس از سر و سامان پیدا کردن فرزندانشان از همدیگر جدا می شوند. البته ما باید روی مصادیق یک ازدواج موفق بازتعریف دوباره ای داشته باشیم. بسیار بد است که مدل ماشین عروسی، شام عروسی، لباس های عروسی و داماد و تالار نشانه هایی از آغاز یک زندگی مشترک خوب تعریف شود.



## ● تصویر ذهنی، تصویر عینی

دکتر صداقت، گرایش جوانان به فضای چت و به تبع آنها ازدواج‌های اینترنتی را معطوف به تمایل انسانی به تصویر ذهنی می‌داند و می‌گوید: تاریخ تصویرسازی ذهنی یا خیال‌پردازی به موازات آفرینش انسان‌ها پیش می‌رود.

همچنان که نخستین نقاشی‌های انسان اولیه را بر دیواره غارها می‌بینیم، بعد هم بر مبنای این تصویرسازی چرخ اختراع و بعدها به انقلاب صنعتی منجر می‌شود بنابراین تصویر ذهنی فی‌نفسه موجودیت ارزشمندی دارد. اما این تصویر ذهنی بشدت نیازمند هدایت است، برای این که مقصد فانتری‌گری و افتادن به بستر خطاست.

وی تاکید می‌کند: شما پسر یا دختری را تصور کنید که دقیقا بر مبنای خیال از پشت ۲ مانیتور رشته‌های ارتباط با همدیگر را می‌تند و با این که این تیندن کار لذت‌بخشی برای آن دو است، اما متوجه نمی‌شوند این رشته‌ها آنقدر متراکم و حقیقی نیست که تاب وزن واقعیت را داشته باشد. درواقع ذهن دختر یا پسر در لحظه چت تصویر ذهنی را با تصویر عینی اشتباه می‌گیرد. از طرفی، اعتیاد به این تصویر ذهنی حاصل از وقت‌گذرانی در دنیای مجازی، فرد را از دنیای واقعی و دغدغه‌هایش از جمله کار، تحصیل، تفریح و مسوولیت‌های دیگر بازمی‌دارد. او مجبور است تا پاسی از شب چشم‌هایش را به مانیتور بدوزد و صبح فردا را با احساس خستگی، خمودگی و ضعف آغاز کند.

دکتر صداقت می‌گوید: من فکر می‌کنم تصور ذهنی زمانی شکل مثبتی به خود می‌گیرد که با واقعیت‌های پیرامونی پیوند بخورد، همچنان که چرخ زمانی یک تصور ذهنی بود، اما به واقعیت پیوست. تلفن همراه تا همین یک دهه پیش برای ما یک تصور ذهنی بود، اما در حال حاضر جزیی از زندگی ما شده است.

## ● انسان با حرف پخته می‌شود

پیگیری برنامه‌های فرهنگسراها، شرکت در همایش‌های ازدواج موفق، کارگاه‌های آموزشی و مراجعه به مراکز مشاوره جایگزین‌هایی است که به اعتقاد دکتر صداقت می‌تواند جوانان را به واقعیت‌های پیرامونی به شکل علمی و صحیح هدایت کند.

این روانشناس می‌افزاید: والدین ما باید واقعا به این درک برسند که همراهی با فرزندان فراتر از تامین خوراک و لباس و هزینه‌های تحصیل است. فرزندان ما به تمام معنی نیازمند همراهی دوستانه و دلسوزانه والدین هستند. بنابراین آنها در ازدواج نباید فرزندانشان را برای تصمیم‌گیری تنها بگذارند.



والدین ما براحتی حاضرند فلان مارک معتبر کفش و کیف را با قیمت‌های گزاف برای فرزندان‌شان تهیه کنند، اما کوچکترین هزینه‌ای برای تامین نیازهای ذهنی و روانی فرزندان‌شان چه بسا مهم‌تر از این ظواهر است نمی‌کنند.

چرا والدین ما نباید دست فرزندان را بگیرند و او را به سمینارها و همایش‌های مرتبط با موضوع ببرند؟ نوجوانان و جوانان شاید بسیاری از حرف‌ها را از والدین خود نپذیرند، اما از زبان متخصصان امر که سال‌ها در این زمینه پژوهش کرده‌اند، خواهند پذیرفت اما متأسفانه می‌بینیم که برنامه‌های آموزشی با بی‌مهری والدین روبه‌رو می‌شود و مجریان آن برنامه را متهم به کلاهبرداری می‌کنند که هدفشان فقط نشانه رفتن محتویات کیف و جیب مردم است؛ به اعتقاد من، حتی اگر بار علمی این همایش‌ها و سمینارها متوسط باشد، باز والدین و فرزندان ما را با واقعیت‌ها آشنا تر خواهد کرد؛ چرا که همه چیز با آتش پخته می‌شود، انسان با حرف. خداوند می‌فرماید: «خلق الانسان و علمه البيان» با بیان درست و علمی بسیاری از دشواری‌هایی که در ذهن و زبان خانواده‌های ما سنگینی می‌کنند، کنار خواهد رفت.

دکتر صداقت می‌گوید: در این راه مطمئناً در درجه اول والدین ما باید آگاه باشند. پدر و مادری که چشم خودش بسته است، چطور می‌تواند چشم فرزندش را به روی واقعیت باز کند. متأسفانه گاهی می‌بینیم خود والدین بازی می‌خورند و وارد فانتزی‌ها می‌شوند، اما وقتی ماسک شیرین فانتزی کنار می‌رود و واقعیت برملا می‌شود، دچار سرخوردگی و افسردگی می‌شوند.

#### ● بین احساس نشاط می‌کنی؟

این روان‌شناس فرمول ساده روان‌شناسی را برای افرادی که مشتریان ثابت چت‌روم‌ها هستند، پیشنهاد می‌کند: «اگر ناراحتی، بدان فکری به دور از خرد در ذهنت جریان دارد» هرکدام از ما وقتی در زندگی دچار ناراحتی می‌شویم باید بگردیم و ببینیم کدام فکر منفی به دور از خرد و واقعیت از دروازه‌های ذهن به درون ما رخنه کرده است، اما وقتی حال ما خوب است و احساس نشاط و سرزندگی می‌کنیم به این معناست که واقعیت و خرد را لمس کرده‌ایم و افکار مثبت، زیبایی‌شان را به ما نشان می‌دهند. حال کسی که به چت‌روم‌ها می‌رود باید از خود بپرسد واقعیت را لمس می‌کند؟

#### ● چه کسانی چت می‌کنند؟



دکتر سیدبابک سعیدی، روان‌شناس و عضو مرکز خدمات مشاوره از زاویه دیگری به مساله نگاه می‌کند: من احساس می‌کنم کسانی از فضای چت استفاده می‌کنند که به هر دلیل با محدودیت‌های ارتباطی با جنس مخالف روبه‌رو هستند. خانواده‌هایی که فضای مطلوب ارتباطی داشته باشند، کمتر به این فضا رو می‌آورند.

در واقع فرزندان چنین خانواده‌هایی که از مهارت‌های بالایی در ارتباط با پیرامون خود برخوردارند، نیازی به این ارتباط غیرواقعی نمی‌بینند، اما فرزندان خانواده‌هایی با محدودیت‌های ارتباطی، چت را وسیله‌ای راحت (آنها در ارتباط‌های معمول فاقد مهارت‌های لازم هستند) برای گفتگو با جنس مخالف می‌دانند.

#### ● سوال‌هایی که می‌آیند

دکتر سعیدی نوع آشنایی در فضای چت روم‌ها را زیر سوال می‌برد و می‌گوید: شیوه آشنایی بعدها در روابط زوج‌ها با هم تاثیرات عمیقی می‌گذارد. فرض کنید دختر و پسری که از طریق اینترنت با هم آشنا شده‌اند و بعد هم این آشنایی به ازدواج کشیده شده است.

آنها تحت تاثیر فضای احساسی جای پدیده‌های خوب و بد را در ذهنشان جابه‌جا می‌کنند، اما این جابه‌جایی زمان زیادی طول نخواهد کشید و ذهن آنها به شناسایی دوباره مولفه‌های خوب و بد خواهد رفت.

به این معنا که دختر یا پسر پس از ازدواج از خود خواهد پرسید آیا همسرش همان روزهایی که با او چت می‌کرده با افراد دیگری هم چت می‌کرده است؟ پاسخ این پرسش به احتمال زیاد در ذهن پسر یا دختر مثبت است. آیا همسرش پس از ازدواج با او به چت کردن ادامه نخواهد داد؟ آیا ممکن است او پنهانی اقدام به ارتباط با افراد دیگر کند؟ ... این پرسش‌ها که همگی به نوعی به شیوه آشنایی این زوج‌ها برمی‌گردد، می‌تواند روابط آنها با همدیگر را به تنش و تزلزل سوق دهد.

#### ● چقدر اطلاعات در چت قابل اعتماد است؟

نکته دیگری که این روان‌شناس روی آن صحنه می‌گذارد، غیرقابل اعتماد بودن اطلاعات رد و بدل شده در گفتگوهای اینترنتی است: شما وقتی می‌بینید در دنیای واقعی خیلی وقت‌ها قلب ماهیت اتفاق می‌افتد، چطور می‌توانید انتظار داشته باشید در دنیایی که خیلی راحت می‌توان دروغ‌های بزرگی به هم بافت، این اتفاق نیفتد؟ واقعا چند درصد از اطلاعات مبادله شده در یک گفتگوی اینترنتی می‌تواند واقعیت داشته باشد؟ آیا کسی حاضر است بنای زندگی‌اش را بر روی این آگاهی‌های واهی و توخالی برپا کند؟



به اعتقاد من فقط زمانی این نوع آشنایی‌ها می‌تواند به یک آشنایی سالم تبدیل شود که در درجه اول با بلوغ هیجانی هر دو فرد، موسسات کنترل شده همراه با متخصصان مربوط در فضای اینترنت وجود داشته باشند که بتوانند به طرفین مشاوره بدهند، ضمن این‌که در گام بعدی خانواده‌ها در جریان این آشنایی قرار گیرند، نه این‌که همه‌چیز به صورت پنهانی بین دختر و پسر اتفاق بیفتد.

### ● حمایت والدین، چطور؟

این روان‌شناس می‌گوید: والدین ما برای این‌که بتوانند حمایت مثبتی در این‌باره از فرزندانشان داشته باشند پیش از هر اقدامی باید نسبت به موضوع آگاه باشند. بسیاری از خطراتی که والدین از آن به‌عنوان خطر برداشت می‌کنند، خطر احساسی است نه خطر واقعی.

اگر ما بدون اشراف به فضای اینترنت صرفاً از دریچه منع وارد شویم قطعاً فرزندمان به شکل دیگری آسیب خواهد دید. اینترنت واقعیت روز جامعه ماست و نمی‌توانیم این واقعیت را انکار کنیم اما این سخن نیز به آن معنا نیست که فرزندمان را در برابر ابزارهای جدید تنها رها کنیم. مسوولیت والدین جز این نیست که بادل‌سوزی و بصیرت در کنار فرزندانشان قرار گیرند.

### ● دکتر سعیدی از ۲ چالش عمده در روابط والدین با فرزندان یاد می‌کند

درک نکردن صحیح و درست دنیای جوانان و اطلاع‌نداشتن از پارامترها و مختصات یک رابطه مثبت با فرزندان، ۲ چالش عمده‌ای است که والدین ما در برخورد با فرزندانشان دارند و در نتیجه نمی‌توانند بویژه در لحظات سرنوشت‌ساز به شکل و شیوه صحیحی با آنها تعامل داشته باشند. والدینی که می‌خواهند واقعا به فرزندانشان کمک کنند راهی جز شناخت نیازها، احساس‌ها، افکار و در یک جمله دنیای فرزندشان ندارند.

والدینی می‌توانند در بازشناسی کارکردهای منفی و اینترنت و مشاوره به فرزندانشان موفق باشند که از پیش رابطه‌ای مثبت را با او تعریف کرده باشند، وگرنه هر حرفی که از آن بوی تحمیل و تحقیر به مشام برسد نه تنها چالش را بر طرف نخواهد کرد، بلکه به عمیق‌تر شدن شکاف خواهد انجامید. متأسفانه بسیاری از والدین ما تصور می‌کنند فرزندان خود باید هر روز و هر لحظه از کارهایی که انجام می‌دهند گزارشی به آنها بدهند، در حالی که این شیوه درستی در ارتباط‌گیری با فرزندان نیست و به‌طور قطع آنها را از همدیگر دور می‌کند.

